



<http://www.arianafghanistan.com>



برلین - سوم دسمبر ۲۰۱۸



خلیل الله معروفی

لشکرکشی "افغان جرمن" در برابر "ادب دری"

(قسمت اول)



حدوداً شش ماه پیش ضمن مقاله ای در "آریانا افغانستان آنلاین" نوشتم، که تعدادی از مقالاتم را از آرشیف پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بیرون آورده و در دسترس مطالعه خوانندگان عزیز "آریانا افغانستان آنلاین" قرار خواهم داد. در همان نوشته تذکر رفته بود، که اقتباس تمام مقالاتم از پورتال بدینجا ناممکن است!!! چون درک کرده بودم، که تنها مقالاتی را میتوانم درینجا منتشر بسازم، که با مزاج و جهاز هاضمه "آریانا افغانستان آنلاین" سازگار باشند. در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نظر به خط مشی و پالیسی باز نشراتی، نشر مطالب منوال کاملاً دیگری دارد. بر طاق جبین و سرلوحه پورتال دو بار کلمه "آزاد" حک شده است؛ هم به زبان دری و هم به زبان پشتو. و این یک نکته سمبولیک را میرساند. بدین معنی، که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" محدوده نشراتی ندارد و آزادی بیان در آن به تمام معنی و از هر نگاه رعایت میگردد. در وبسایتهای دگر چنین آزادی یی وجود ندارد!!! ازین خاطر زبان نشر "آریانا افغانستان آنلاین" را باید مد نظر گرفت و در نشر و اشاعه مطالب و انتخاب أسلوب بیان، آب خود را به اصطلاح کابلی باید "پُف پُف کرده" خورد. این نکته را ازین سبب نوشتم، تا خوانندگان گرانقدر بدانند، که اگر از پایگاه اصلی خود؛ یعنی از پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" سخن بگویم، زبان و شیوه بیان دیگری را انتخاب خواهم کرد؛ و "دپلوم انجنیر قیس جان کبیر" خوب و به نکوئی میداند، که "نسق داد" از قلم "خلیل معروفی" چه طور است و چه معنی دارد!!!؟؟؟

دیر در تردّد ماندم و دودلی، که در برابر عکس‌العملهای ناهنجار "افغان جرمن آنلاین" اصلاً موقف بگیرم یا نی؟؟؟ - یک دل میگفت، که اصلاً لازم نیست به نوشته‌های بی سر و پای "افغان جرمن آنلاین" جوابی بگویم، چون ایشان با تبصره‌های بی‌معنی و دور از موضوع و با بادکردن "کاههای بیدانه خود"، در واقع، "مس خود" را نمایان ساخته اند. بلی؛ میگفت، که:

ایشان با پراگندن سخنان به اصطلاح ایرانیان "بی سر و ته"، ماهیت اصلی خود را جلوه داده اند، بدون این، که بتوانند به شأن و حیثیت مقاله معروفی آسیبی برسانند!!! چون:

چون مقاله معروفی، وظیفه دگری نداشت، جز ادای دین فرهنگی و دفاع از حیثیت ادب و ادبیات و فرهنگ مردم معزز و آبرومند افغانستان. مقاله معروفی "دشمنی با اشخاص" و "خصومت با احمد و محمود و کلبی و مقصود" نیست، بلکه عین "دوستی و عشق سرشار" است، به "ادب و فرهنگ" و "ارزشهای ادبی - فرهنگی" مردم افغانستان!!! این نکته، که به هیچ صورت غامض و به اصطلاح حضرت حافظ، "باریکتر از موی" نیست، مگر در "شوربازار" نظرخواهی "افغان جرمن آنلاین" خریداری نداشت. تبصره کنندگان مقاله، که سهواً یا به عمد، از درک اصل و کُنه موضوع عاجز آمده بودند، به گفته حافظ شیرازی:

«چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند!!!»

- و آن دل دیگر میگفت، که به مقابل بدسگالیهای نظردهندگان "افغان جرمن آنلاین" باید موقف گرفت و جداً بایستاد و با پیشکش و تبیین نکات لازم و متمم، خوانندگان و طیف عام افراد مُنصف و بابصیرت را قادر ساخت، تا انگیزه اصلی تدوین و نشر مقاله "ادب - ادب دری - استاد ادب دری" و مقالات نظیر این سنخ مرا را درک نمایند!!! میبینم، که به رغم فرموده حضرت حافظ، مصلحت آن است، تا:

"از پرده برون افتد راز!!!"

اینک گپ "دل دوم" را شنیده و مینگارم:

"خلیل الله معروفی" مقاله فنی و تحلیلی - تحقیقی بی را معنون به "ادب - ادب دری - استاد ادب دری" در صفحه ۱۵ نومبر ۲۰۱۸ و بسایت "آرینا افغانستان آنلاین" انداخت. این مقاله، مطلب تازه و "کاغذپیچ" نبود، بلکه مقاله ای بود، که به تاریخ ۳۰ اگست ۲۰۱۵ نوشته شده و در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" انتشار یافته بود. بلی؛ این مقاله در زمان حیات داکتر هاشمیان نگاشته و با دلائل فنی و عالمانه از هاشمیان تقاضاء شده بود، تا لقب فاخر "استاد ادب دری" را به شاخی باد نکند و به اشخاص "غیر مستحق" نبخشد. این مقاله ایفاظی و هشداردهنده، در واقعیت امر گوشزدی بود به استاد هاشمیان، که "ادب و فرهنگ" مردم افغانستان را به باد استهزاء نگیرد و با اقدام عاقبت نیندیشانه و عجولانه خود با حیثیت فرهنگی مردم افغانستان بازی نکند!!! این هوشدار در بطن خود این نکته را نیز تضمین میکرد، تا داکتر هاشمیان با چنین اقدام بدون تأمل و سطحی نگرانه خود، آبروی ما را پیش ایرانیان و چیزفهمان کشور همزبان ما "ایران" نریزاند!!!

اما چنان، که همه میدانیم، داکتر صاحب هاشمیان آدم خودخواه و سرتنبه ای بود، که مرغش فقط یک لنگ داشت. از همین خاطر هم تا آخر بر سر همان "مرکب باطل" خود استوار سوار ماند!!! چنین کارروائیهها و کلانکاریها را داکتر هاشمیان در طول بیست و چند ساله مجله چلپس خود به نام "آئینه افغانستان" باربار به آزمون گذاشت و با "لک بخشیه"ی بی تأمل، لقب والاشان "استاد" را در هر سر بازار و در پای هر دیوار شکسته لیلام کرد!!!

جهت بررسی تبیینی و جذری موضوع لازم میبینم، تا لااقل دو نکته و سؤال مهم را مطرح کنم:

- اولین سؤال بحق و برحق، که عرض اندام میکند، این خواهد بود، که آیا داکتر صاحب استاد "هاشمیان" ظرفیت و صلاحیت چنین کلانکاریها را داشت؟؟؟ در مقاله مؤرخ ۱۵ نومبر ۲۰۱۸ خود به صورت ضمنی و سرپوشیده چنین نوشته بودم:

«من، که هیچ یک از شاعران و ادیبان زنده و موجود ما را سزاوار چنین یک لقب فاخر و باعظمت نمیدانم، و اعطای چنین یک عنوان مطمئن را - ولو شکل سمبولیک و اعزازی را هم داشته باشد - بالاتر از صلاحیت اشخاص و حتی

مؤسّسات علمی و خلاف تعاملات و مناشیر مرسوم میدانم، میخوام در زمینه "ادب دری" روشنی بیندازم. ای کاش استاد بزرگوار داکتر صاحب هاشمیان در عرض این لقب فخیم و به مراتب بلندتر از ظرفیت و صلاحیت "اعزازکنندگان" و "اعزازشوندگان"، به القاب درخور آن دو عزیز هموطنم اکتفاء میکردند و مثلاً القابی نظیر "شاعر برازنده" و "شاعر نمونه" و "شاعر ممتاز" و "شاعر پیشتاز" و ... را نثارشان میکردند، تا از یک طرف حق به حقدار میرسید - و نه سیخ میسوخت و نه کباب - و از طرف دیگر زبان انتقاد و ایراد اشخاص بی پروا و خداناترسی مثل "خلیل الله معروفی" هم کوتاه میگردید!!!»

ضمن سطور بالا تلویحاً و به صورت کنایه به داکتر هاشمیان گوشزد شده بود، که چنین کاری بالاتر از صلاحیت خود داکتر هاشمیان است. اینک موضوع را کمی تفصیل میدهم:

صلاحیت علمی - ادبی داکتر هاشمیان:

نوشته‌ها و آثار باقیمانده از هر نویسنده‌ای، در واقع ترازو و محک تعیین عیار ظرفیت علمی او بوده میتواند. آرشیف موجود داکتر صاحب هاشمیان در پورتال "افغان جرمن آنلین" حاوی ۲۳۸ عنوان مقاله است. گرچه در جایهای دیگر و بالخاصه در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و وبسایت "آریانا افغانستان آنلین" نیز آرشیفهای مقالات داکتر هاشمیان موجود است، من مگر ترجیح میدهم، که در زمینه به آرشیف "افغان جرمن آنلین" داکتر صاحب هاشمیان تکیه کنم. دلیلش را هم برایتان شرح میدهم:

در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" مقررات نشراتی طوری است، که مطالب و مقالات وارده بعد از اصلاح و تصحیح و ویرایش لازم املائی نشر میگردند. در "آریانا افغانستان آنلین" نیز مره چنان است، که تا جایی، که مطالب از طرف خود مؤسس وبسایت؛ یعنی جناب "ولی احمد نوری" آنلین شوند، این پروسه مراعات میشود. اما در پورتال "افغان جرمن آنلین" پروسه انداختن مطالب کاملاً "چوت انداز" و مانند "سوته حافظ" است، چون درانجا کسی وجود ندارد، که صلاحیت تصحیح و ویرایش مطالب و مقالات را داشته باشد. ازین خاطر مطالب وارده همان قسمی، که از جانب فرستنده و نویسنده به آدرس "افغان جرمن آنلین" میرسند، به نشر سپرده میشوند. پس آنچه از مقالات داکتر هاشمیان در آرشیف "افغان جرمن آنلین" وجود دارد، بالخاصه مقالات سه سال اخیر ایشان، به صورت "تقه" همان شکلی را دارد، که از قلم داکتر صاحب هاشمیان تراوش کرده است؛ نه زیاد و نه کم!!! و چه خوب است، که محک نقد تیار را خود پورتال "افغان جرمن آنلین" در اختیار ما میگذارد، تا به رؤیت متقن و مطمئن مقالات، بر صلاحیت و ظرفیت علمی داکتر هاشمیان، قضاوت کرده بتوانیم. آرشیف مقالات داکتر هاشمیان در "افغان جرمن آنلین" جوینده و پوینده و پژوهنده باصلاحیت را به نکویی قادر میسازد، تا از داکتر هاشمیان، سلب "صلاحیت علمی" نمایم!!! در همین جا به همه چلنج میدهم:

"دا گز و دا میدان!!!"

به صورت معترضه بد نیست به عرض خوانندگان گرامی برسانم، که: در مورد مقالات منتشره داکتر هاشمیان در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" مستقیماً و بلافاصل میدانم، که مصححان و ویراستاران پورتال از دست کثرت اغلاط املائی و تایپی مطالب ارسالی داکتر هاشمیان به اصطلاح، "به بینی رسیده بودند"!!! و تا جایی، که خبر دارم، جناب "ولی احمد نوری" نیز از تجربه طولانی خود در مورد

مقالات داکتر هاشمیان، چه قبلاً در پورتال "افغان جرمن آنلاین" و چه اینک در "آریانا افغانستان آنلاین"، ازین ناحیه آن قدر به عذاب شده بودند، که جهت جلوگیری از اغلاط املائی و تاییبی داکتر هاشمیان، هربار مقالات داکتر هاشمیان را "سرخ و زرد و سبز" کرده و واپس به خود هاشمیان صاحب میفرستادند، تا مگر از ارتکاب عین اغلاط در نوشته هایش جلوگیری صورت بگیرد. این تدبیر و زحمتکشی جانب نوری صاحب، مگر هرگز در گوش استاد هاشمیان کارگر نیفتاد، که نیفتاد!!!

بلی؛ تنها مطالعه مقالات داکتر هاشمیان، به حیث "معیار عملی"، از او سلب صلاحیت میکند، بدون این، که معاییر نظری ادبی را، که در مقاله "ادب - ادب دری - استاد ادب دری" به صورت کافی و وافی بیان شده است، در مورد ظرفیت ادبی داکتر هاشمیان تطبیق کنیم. بگذریم ازین، که داکتر هاشمیان نظر به ادعاهای خودش، دکتورا و به اصطلاح انگریزی "پی اچ دی" (PhD) خود را - که حکم "قواله روباه" را دارد - از کدام پوهنتون "پس قواله" اضلاع متحده امریکا و به لفظ شیرین فرانسوی، "اتازونی"، در رشته "زبانشناسی" حاصل کرده است.

- سؤال دیگری، که معمولاً مطرح میشود، این است، که آیا اجازه داریم در مورد مردگان؛ یعنی کسانی، که در میان ما نیستند، چیزی بگوئیم و بنویسیم؟؟؟
در عرف عام مردم افغانستان معمولاً گفته میشود:

"پشت مرده گپ نزن!!!"

این نکته، که حکم وجیزه و حتی ضرب المثل را به خود گرفته است، اعتبار محدود دارد. بلی؛ اعتبار دارد، ولی به صورت محدود و در یک حد و محدوده معین!!! تا جایی، که همه به وضاحت میدانیم، این وجیزه تنها در روابط ذات البینی و شخصی خانواده ها از اعتبار برخوردار است و بس!!! بدین معنی، که این نکته در پروسه اجتماعی و در موضوعات سیاسی - تاریخی - علمی و ... قطعاً اعتبار ندارد و دلیلش را هم ذیلاً تذکر میدهم:

وقتی میگویند، که "پشت مرده گپ نزنید!!!" به چه معنی و مفهوم است؟؟؟

اگر در افواه عوام چنین گفته میشود، فقط در ارتباط با روابط شخصی و فامیلی ست و بس. و آن هم ازین خاطر است، تا روابط ذات البینی افراد فامیل برهم نخورد. اما این مسأله در ارتباط با مسائل علمی و اجتماعی و سیاسی و ... کوچکترین چلش و ارزش و اعتبار ندارد، نه در نظر و نه در عمل!!!

- اگر چنین میبود، تمام پیشرفت بشر سد میگشت، چون هیچ کس حق نمیداشت بر کار و نظر پیشینیان ایرادی وارد بسازد؛ چه رسد بدین، که در پی اصلاح و تصحیح و تکمیل و انکشاف آن برآید!!!
- چرا تمام روز جنایتکاران تاریخ را میکوبیم؟؟؟

- چرا کارستان چنگیز و هلاکو و تیمور لنگ و استعمار و تجاوزگران و اشغالگران و ... را محکوم میکنیم؟؟؟

- چرا یکرنگ "ترکی و امین و کارمل و نجیب" را مورد لعن و طعن قرار میدهیم؟؟؟

مگر اینها همه نمرده اند؟؟؟ کارهای غلط و نابخردانه را از هرکسی سر زند و سر زده باشد، باید محکوم کرد!!!

مگر کل "تاریخ بشر" شرح خوب و بد روزگار در مسیر قرون و اعصار نیست؟؟؟

با این استدلال بدیهی و روشنتر از آفتاب، بدین نتیجه میرسیم، که گپ ها و تبصره های مفت و بی معنایی از قبیل "پشت مرده گپ نزنید!!!" اندرین نکته و مسأله و مشغله، از نطفه خنثی میشود، چون همه خارج از تعلق شخصی این و آن و افراد است!!! بعد از شرح نسبتاً مشرّح دو نکته، موضوع بحث خود را دنبال میکنم:

داکتر هاشمیان بدون داشتن صلاحیت و ظرفیت علمی - ادبی، احتمالاً تنها و تنها به خاطر گلِ روی و سُنْبُلِ موی "صالحه جان" و "شیماجان" و محض جهت دلخوشی ایشان، به چنین کار غلط و بدفرجام اقدام کرد؛ و ازین غلطکاری ها را داکتر هاشمیان در طول طومار عمر دراز ۹۴ ساله خود، بسیار و باربار به یادگار ماند. مگر در تمام پهنه و مَنَصَّه و مصطبه و عرصه علمی و ادبی افغانستان، تنها همین داکتر صاحب هاشمیان بود، که خود را واجد "لک بخشی ها" میدانست؟؟؟ چرا از بین صدها دانشمند و عالم برجسته وطن، که در علمیت و دهاء و نکات، دهها و صدها بار برتر و بهتر و بالاتر از "داکتر هاشمیان" بودند، به چنین کاری مُبادرت نوزیدند؟؟؟

از نظر من، که "خلیل الله معروفی" ستم، دلیل اصلی این نکته و این موضوع و این مسأله، خود بخود واضح و بلکه اظهر من الشمس است. چون داکتر صاحب هاشمیان، که شخص خودخواه و "خود بزرگ بین" بود، با چنین کاری، در واقع میخواست برای خود و برای خویشتن خویش، "شخصیت" و "شخصیت علمی" بتراشید و حیثیت خود را به اصطلاح عوام کابلی "بالا بالا" بپزد!!!

در قسمتهای بعدی به همه نکات و جهات دگر پرداخته خواهد شد؛ که کابلیان نازنین همیشه گفته اند:

اللهم یکه یکه!!!



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

لشکرکشئی "افغان جرمن" در برابر "ادب دری" (قسمت اول)

Maroofi_k_lashkarkasheeye_ago_darbaraabare_adabe_dari_۱.pdf